

یاران عزیز و روحانی الله ابھی

بیت العدل اعظم الہی در پیام مورخ ۲۵ ژانویہ ۲۰۲۰ ما را به تفکر در حیات حضرت عبدالبہاء دعوت نموده و

میفرمایند:

"نقشہ آیندہ علاوہ بر تدارک پیشرفت در محدوده‌های جغرافیایی در ہمہ جا، مصادف است با صدمین سال صعود حضرت عبدالبہاء، سالی برای تأمل عمیق بر حیات مبارکش و قوہ عہد و میثاقی کہ ہیکل اطہر مرکز آن می‌باشد."

در این برنامه سعی مینمائیم بہ "محویت و فنا" بہ عنوان یکی از بارزترین خصوصیات کہ بر تمامی جنبہ های حیات ہیکل مبارک سایہ افکنده بود، بپردازیم و ضمن تأمل بر آن ، در خصوص چگونگی متجلی ساختن آن، در حیات یومیہ خود، بہ تفکر و تبادل نظر مشغول گردیم. امید آنکہ بتوانیم در مسیرش عاشقانہ و آگاہانہ سلوک نمائیم.

تأیید حق ہمراہتان

لحظات عین رحمانیت مُنعطف به نفوسی است که در عالم هستی جز محویت و نیستی در سبیل الهی ندارند  
مکاتیب ج ۴ ص ۳۶

### عنوان: مظهر محویت گردید و فنای محض شوید

#### قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- بیانات مبارکه حضرت بهاءالله
- ۳- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء
- ۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

#### قسمت اداری

- ۵- محویت و فنا در تبلیغ
- ۶- من همان هیچ چیز هستم
- ۷- یک چیز هست که در خزانه الهی وجود ندارد
- ۸- شور و مشورت (چگونه میتوانیم خصیصه روحانی محویت و فنا را در حیات روزانه خود ظاهر نمائیم؟)
- ۹- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

#### قسمت اجتماعی

- ۱۰- انس و الفت
- ۱۱- مناجات خاتمه

هو الله

ای دلبر یکتایم و خداوند بی همتایم، قوت و قدرتی بخش و تاب و توانی عطا فرما، قوی را، نیروی ملأ اعلی بخش و اعضاء را، تأیید ملکوت ابهی. جوارح را سوانح غیبی ده و ارکان را لوائح ملکوتی فرما تا بر عبودیت جمال احدیتت چنان که لائق و سزاوار، مؤید گردم و بر بندگی آستان مقدّست چنان که باید و شاید، موفّق شوم. ای محیط، در بسیط ففرو فنا راه ده. ای مْهیمِن، درخلوتکده محو و هباء، مسکن بخش. خاک ره دوستان کن و غبار آستان فرما. عبودیت ملکوتی بخش که فوق توانائی بشری است و رقیّت ناسوتی ده که آنزل مراتب بندگی است. توئی قوی و قدیر، توئی مقتدر و بی نظیر

منتخبات مکاتیب ج ۴ ص ۲۶۹

۲-بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

عشق هستی قبول نکند و زندگی نخواهد حیوة در مَمات ببند و عزّت از ذلّت جوید. بسیار هوش باید تا لایق جوش عشق شود و بسیار سر باید تا قابل کمند دوست گردد. مبارک گردنی که در کمندش افتد و فرخنده سری که در راه محبتش به خاک افتد. پس ای دوست، از نفس بیگانه شو تا به یگانه پیبری و از خاکدان فانی بگذر، تا در آشیان الهی جای گیری. نیستی باید تا نار هستی برافروزی و مقبول راه عشق شوی.

هفت وادی ص ۵

به ذات امنع اقدس قسم که مقامی اعظم از آن نه که کلّ به فنای محض و عبودیت صرفه ظاهر شوند و به تمام همت به خدمت امر قیام نمایند... آنچه لازال عندالله مَرْضی و مِرْقاة عِبَاد الی ملکوت السّداد و صُغُودهم الی جَبَرُوت عنایة مالک الإیجاد، آن بوده که درهیچ شأن از شئون، ظاهراً و باطناً، عباد مُخلصین به خود ناظر نباشند. بلکه فیالحقیقه در جمیع مراتب، خود را لاشئ محض و فنای صرف مشاهده نمایند تا جمیع نفوس به تربیت آن انفس مقدّسه از شمال هواهای نفسانیّه و مشتهیات عالم بشریّه به

یَمین تُقی و شَطْر ابهی توجّه نمایند. اگر این نفوس که از رَحیق اَصفی نوشیده‌اند و اوّل خلق، لدی الحق مذکورند، اقلّ عَمّا یُحصی به خود ناظر باشند، البتّه از عنایات مکنونه الهیه محروم مانند و از ثمرات لانهایی که در عوالم امریه از برای ایشان مقدر شده، ممنوع گردند. باید این نفوس به شأنی مابین ناس حرکت نمایند که احدی گمان حیوة در ایشان ننماید تا چه رسد به مقامات دیگر...

مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۲۷، ص ۱۶-۴۱۵

" ایوم یوم عجز و ابتهاال است. نیستی بحت محبوب بوده و خواهد بود و هر نفسی باین مقام فائز شد عندالله از اهل مدائن بقا محسوب است "

آثار قلم اعلی ج ۵ ص ۴۵

### ۳-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

"مقصود از اینکه انسان بکلی خود را فراموش نماید اینست که بسرّ فدا قیام نماید و آن محویت احساسات بشریه است و اضمحلال اخلاق مذمومه که ظلمات گونیه است نه اینکه صحت جسمانی، مبدل بضعف و ناتوانی شود."

منتخبات مکاتیب ج ۱ ص ۱۷۶

"ای احبّای الهی شما مظهرِ مظاهرِ الطافید و مطالع انوارِ موهبتِ جمال مبارک. قدر یکدیگر را بدانید و درحقّ یکدیگر جانفشانی نمائید و خدمت یاران را اعلی موهبت عالم انسان بدانید. خُضوع و خُشوع را عزّت ابدیه شمارید و محویت و فنا را موهبت ملأ اعلی بدانید دائماً در محبت و الفت و مهربانی و خوشرفتاری با جمیع اهل عالم بکوشید."

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۹۷

آنچه سبب بزرگواری عالم انسانی است خُضوع و خشوع است و محویت و فنا. زیرا تَدَلُّل و اِنکسار، تاجِ وَهَّاجِ عبدالهاست و محویت و فنا و نیستی بی منتهی، اِکلیلِ جَلیلِ این بنده آستانِ حضرت کبریا. ما باید بکلی از وصف وجود فانی گردیم بلکه نیست و مفقود شویم تا سزاوار الطاف و عنایت خداوند بیچون گردیم. هر یک غبار رهگذر جمیع احبّاء شویم و خادم حقّ و هادِم بنیانِ نَفْس و هوی ."

مکاتیب ج ۴ ص ۶۴

"الیوم تسلی عبدالبهاء، محبت و خُضوع و خُشوع احبّاست به یکدیگر و تا حقیقت محبت قلبیه و نهایت محویت و فنا و تعلق روحانی در قلوب احبا به یکدیگر جلوه نماید البته موهبت کُبری جهانگیر نشود.

گلزار ص ۱۳۴

### ۴-لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای رفیق، از هر ثیابی برهنه شو و از هر آلالشی مُجَرّد گرد. قَمیص نیستی بیوش و بر سَریرِ مَحویت و فنا جلوس کن. از خدا جز خدا مطلب و از حق به غیر از رضایش مجو. از خود بیگانه شو تا در ظلّ رحمت خداوند یگانه در آیی و از وجود، مفقود شو تا حیات محمود یابی. وقت جانفشانی است و هنگام نجات از این عالم فانی. آنچه منتهی آمال خلق است، قسم به جمال حق، از خاک پستتر. تو آنچه در ملکوت وجود مقبول و محبوب، تعلق به آن یاب و مفتون آن گرد تا از شجره زندگانی میوه رحمانی یابی و از حیات غنصری بقای ابدی سَرمدی جویی.

منتخباتی از مکاتیب، ج ۲، ص ۱۲۸

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

خود مبلّغ باید در وقت تبلیغ متأثر باشد بیانش مانند شعله آتش، تا کلامش تأثیر کند و پرده حُجُبَاتِ نفس و هوی بسوزاند و باید در نهایت خضوع و خشوع باشد تا دیگران مُتنبّه گردند و باید در نهایت محویت و فنا باشد تا به آهنگ ملاء اعلیٰ تبلیغ کند و الا تأثیر ننماید....(۱)

فرمودند: "امروز اعظم امور مسئله تبلیغ امرالله است که نفوس را نَجاح و فلاح بخشد، حیات ابدیه مبذول دارد، رضای جمال مبارک در این است و در مقام محویت و فنا که انسان از خود وجودی نداشته باشد. شما را برای تبلیغ میفرستم. انشاءالله مؤید شوی در کمال شجاعت و شهامت برو و اعتنائی به استکبار و اعتراض مردم مکن. امروز هیچ چیز به کار نمیخورد مگر تبلیغ امرالله. اینست که من همه امور را گذارده مشغول تبلیغ شدم. وقتی جمال بروجردی به عکا آمد دیدم افکارش پراکنده است به او گفتم از طهران تا اینجا هیچکس را تبلیغ کرده ای؟ گفت: نه، پیش نیامد. او را نصیحت کردم که از برای تو امروز تبلیغ امرالله الزم است. این برای تو مفید است. واقعاً چقدر جاه طلبی انسان را ذلیل میکند، بالعکس محویت و فنا. او همه چیز میطلبید هیچ نیافت برعکس آقا میرزا حیدر علی هیچ نمیخواست، همه چیز یافت. روز به روز هر چه او خواست و نیافت، این نخواستہ یافت. او صحو بود، محوشد، این محو بود، صحو شد.(۲)

۱-کتاب نمی از یمی ص ۲۳

۲-بدایع الآثار ج ۲ ص ۱۴۱

۶- من همان هیچ چیز هستم

جناب ابوالقاسم فیضی ایادی امرالله در جلسه ای فرمودند یکی از بزرگترین و ظالمترین دشمنان امر، شاهزاده ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه بود که هم زمان با حضرت عبدالبهاء در اروپا بود.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

یک روز نزد من آمد و گفت آمده ام از شما مسئله ای را بپرسم. به من نگاه کنید کلاه من پوشیده از الماس است. لباسهایم به انواع جواهرات مزین است با این حال وقتی در خیابان راه میروم هیچکس به من نگاه نمی کند و احدی به من توجه ندارد ولی وقتی شما در خیابان قدم می زنید و ساده ترین لباس دنیا را به تن دارید، همه راه را برای شما باز می کنند نزد شما می آیند. همیشه صدها نفر دم در خانه شما هستند می خواهم علتش را بدانم؟ حضرت عبدالبهاء او را می شناختند و می دانستند که به علت وجود او تعداد زیادی از احباء کشته شده بودند بنابراین به او فرمودند: حضرت والا اندکی بنشینید تا داستانی را برای شما تعریف کنم شاهزاده نشست حضرت عبدالبهاء فرمودند: زمانی مرد حکیمی از میدان شهری عبور می کرد و یکی از ثروتمند ترین مردم شهر را اندوهگین و غمزده یافت که در گوشه میدان به ناراحتی هایش فکر می کرد. نزد او رفت و پرسید چه شده؟ ناراحتی شما چیست؟ جواب داد من

اینقدر پول دارم که بزرگترین تاجر این شهر باشم اما راضی نیستم مایلم بزرگتر از این باشم. مرد حکیم گفت مثلاً می خواهی چه بشوی؟ بازرگان پاسخ داد مایلم حاکم این شهر باشم. حکیم گفت اگر تو را والی این ایالت کنم نه فقط حاکم شهر بلکه کل ولایت راضی می شوی؟ لطفاً در قلب خود خوب فکر کن و جواب درست به من بده. مرد تأملی کرد و گفت حقیقت مطلب اینکه راضی نخواهم شد می خواهم وزیر باشم. حکیم گفت تو را وزیر خواهم کرد اما یک جواب صادقانه دیگر هم بده آیا راضی خواهی شد؟ بعد از آن او خواست پادشاه کشور بشود. حکیم گفت تو را پادشاه می کنم آیا راضی و خشنود خواهی شد؟ چیزی غیر از این نمی خواهی؟ مرد جواب داد بعد از آن هیچ چیز نیست. حضرت عبدالبهاء به شاهزاده فرمودند: حضرت والا من همان هیچ چیز هستم.

فاتح دلها

۷- یک چیز هست که در خزانه الهی وجود ندارد

فرض کنید قصد دارید به ملاقات پادشاهی بروید و میل دارید هدیه ای برای او ببرید. نزد کلیه وزراء خواهید رفت؛ تمام خادمینش را، اعضاء خانواده اش و اعضاء دربارش را خواهید دید، و سؤال میکنید که در خزانه شاه یا دربارش چه چیزی وجود ندارد که آن را تهیه کرده به او هدیه کنید. اگر طلا ببرید، شاه کل طلاها را دارد؛ نقره، او دارد؛ الماس، او دارد. میل دارید بفهمید که شاه چه ندارد. اگر میخواهید هدیه ای به شاه بدهید، باید چیزی باشد که در خزانه شاه وجود ندارد. بعد، حضرت اعلی میفرمایند: که همین موضوع درباره خداوند صادق است. چیزی به ساحت او ببرید که نداشته باشد. حال، میخواهید قدرت خودتان را نزد او ببرید؟ او سلطان مقتدری است؛ شما را خلق کرده. میخواهید الماسهایتان را نزد او ببرید؟ خودش آنها را خلق کرده است. علم و دانشتان؟ هر آنچه که نزد او ببرید، قابل مقایسه با آنچه که او دارد نیست. اما حضرت اعلی میفرمایند:

یک چیز هست که در خزانه الهی وجود ندارد و آن: نیستی و فنا است. نیستی و فنا را به ساحت او ببرید. به قلم جناب فیضی (فاتح دلها)

هُوَ اللهُ

ای پروردگار این بنده ضعیف را با دوستانت در آستان عبودیتت مَقَرِّ و مأوی بخش تا به شُرُوط عبودیت قیام و جان و دل و تن در کمال سرور نثار نمائیم توئی مُعْطَى و مُؤَيِّد در جمیع شئون. ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبها شماره ۲